

بررسی تطبیقی آیه دوم سوره فتح از منظر مفسران فریقین

محمد بشیر مقدسی^۱

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علوی‌مهر^۲

چکیده

نوشتار حاضر تلاشی است برای معناشناسی واژه «ذنب» در آیه دوم سوره فتح. ضرورت پرداختن به این پژوهش این است که کلمه ذنب در بیان مفسران و مترجمان معانی متفاوتی دارد؛ به خصوص راجع به کلمه ذنب در آیه دوم سوره فتح، تفسیرهای متعددی از سوی مفسران فریقین نقل شده است و برخی معانی ذکرشده ارتباط مستقیم با عصمت انبیا دارد و عصمت رسول‌گرامی؟ صل؟ را زیر سؤال برده‌اند؛ لذا در نوشتار حاضر به روش توصیفی و تحلیلی به بررسی آرای مفسران فریقین راجع به معنای ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد واژه ذنب در آیه دوم سوره فتح به معنای گناه رسول‌گرامی؟ صل؟ از نگاه مشرکان به‌کار رفته است، نه به معنای گناه شرعی که عقاب الهی را در پی دارد، و رسول خدا از هر ذنب و اثمی مبرا هستند.

کلیدواژه: ذنب، تفسیر، گناه، خطا، اهل سنت، شیعه.

مقدمه

هر واژه‌ای دارای معنای لغوی است. برای فهم معنای اصطلاحی توجه به معنای لغوی آن واژه ضروری است، در غیراین صورت احتمال خطا در فهم آن واژه بسیار زیاد است. برخی اشتباهات در تفسیر و ترجمه قرآن کریم نیز به دلیل عدم توجه کافی به معنای لغوی و ربط آن به معنای اصطلاحی است، زیرا در برخی موارد واژه‌ای به معنای لغوی خود به‌کار می‌رود و در برخی موارد به معنای

۱. دانشجوی دوره دکتری تفسیر تطبیقی bashir.qommi@yahoo.com.

۲. دانشیار جامعه المصطفی؟ صل؟ العالمية halavimer@gmail.com.

اصطلاحی و مفسر و یا مترجم براساس معنای رایج (اصطلاحی) معنا می‌کند، درحالی‌که آن واژه به معنای لغوی خود به‌کار رفته است، در نتیجه فهم آیه دچار مشکل می‌شود. واژه «ذنب» نیز از همین واژه‌هاست که در برخی موارد به معنای لغوی خود به‌کار رفته است و در اکثر موارد به معنای اصطلاحی و یکی از واژه‌های مهم و حساس به‌شمار می‌آید، زیرا در آیاتی به پیامبر الهی نسبت داده شده است و از طرفی به گناه و یا عملی غیرشرعی معنا می‌شود، درحالی‌که پیامبر به دلایل عقلی و نقلی معصوم است بنابراین مفسرین براساس مبانی خود تفسیرهای متعددی برای واژه ذنب در آیه دوم سوره فتح بیان کرده‌اند که در این نوشتار همه اقوال مورد نقد و بررسی قرار گرفته سپس قول مختار تحقیق با شواهد و قرائن ارائه می‌گردد.

مفهوم‌شناسی واژه ذنب

معنای ذنب در لغت

ابن فارس در *مقاییس اللغة* برای ذنب سه معنای اصلی بیان کرده است: ۱. جرم؛ ۲. مؤخر و انتهای یک شیء؛ ۳. بهره و نصیب. اولی به‌صورت فعل ثلاثی مجرد به‌کار می‌رود؛ «اذنب یذنب» و به انجام‌دهنده جرم، «مذنب» گویند. در مورد معنای دوم به معنای دم حیوان است و به اسب دم‌بلند «ذنوب» گویند و به آبراه‌های بزرگ سیل رو که آب‌های سیل را به مناطق پست بیرون شهر هدایت می‌کند «مذانب التلاع» می‌گویند و به عقب هر چیز «ذناب» گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۳۵۲) ابن فارس برای اصل سوم شاهی از فرهنگ عربی گزارش نکرده است.

اما برخلاف ابن فارس راغب اصفهانی هر سه معنا را به یک اصل برمی‌گرداند و حسی‌ترین معنا در نگاه وی دم حیوان است؛ به همین دلیل به افراد بی‌مایه و بی‌ارزش جامعه از روی استعاره «اذناب القوم» گفته می‌شود.

راغب می‌گوید: که «ذنب» در اصل به گرفتن چیزی گویند. «ذنبته» یعنی دم آن چیز را گرفتیم سپس به هر فعلی که عاقبت آن وخیم و ناگوار است و فرجام بدی دارد «ذنب» گفته شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۱) بنابراین پیامد یک عمل را «ذنب» می‌نامند، زیرا پیامد یک عمل در انتهای

آن عمل می‌آید. «ذنب الضب» در اصل زدن با دم بوده است؛ بعد توسعه داده شده و به هر عملی اطلاق می‌شود که اولاً، این عمل نسبت با شخص دیگر بوده است؛ ثانیاً این عمل عکس‌العمل طرف مقابل را برای تنبیه و مجازات مذنب برانگیزد و به دنبال داشته باشد.

ذنب در قرآن

واژه «ذنب» به صیغه مفرد و جمع آن «ذنوب به ضم ذاء» ۳۷ بار در قرآن کریم به کار رفته است. دو بار نیز واژه «ذنوب باضم ذا» آمده است و جز این سه شکل، صیغه دیگری از این ماده در قرآن دیده نمی‌شود. با تکیه بر سیاق آیات قرآن کریم می‌توان برای این واژه وجوه معنایی متعددی بیان کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. خطا

در آیه ذیل به دلالت سیاق، واژه «ذنب» مرادف با خطا است: {يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا وَاسْتَعْفِرِي لِدُنْبِكَ إِنَّكَ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ} (یوسف، آیه ۲۹) در این آیه، زن عزیز مصر به دلیل خیانتش، نسبت به شوهر خود مرتکب «ذنب» شده؛ لذا مستحق تنبیه و مجازات عزیز است.

۳. جرم

«جرم» در اصل به معنای قطع میوه از درخت بوده سپس از روی استعاره در معنای هر نوع کسب ناپسند و نامطلوب به‌کاررفته است. (راغب، ۱۴۸۲، ص ۱۹۲) در سوره قصص هم‌نشینی واژه «ذنوب» با «مجرمون» نشانه ارتباط معنایی این دو لفظ و مترادف نسبی آن‌هاست؛ به‌طوری‌که می‌توان به جای «ذنب» «جرم» گذاشت. {وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ} (قصص، آیه ۷۸) و هنگامی‌که عذاب الهی فرارسد، مجرمان از گناهانشان سؤال نمی‌شوند. «ذنب» از آن رو جرم خوانده می‌شود که چیزی ناپسند و نامطلوب برای بنده تلقی می‌شود.

۴. گناه

مقصود از «گناه» ارتکاب امری غیرمشروع است، براین اساس، انجام هر عملی که خدای تعالی بندگان را از آن نهی کرده است و یا ترک هر عملی که خدای تعالی به انجام آن فرمان داده باشد «گناه» به شمار می‌آید. عمل هم اعم از عمل جوارحی و جوانحی است. در آیاتی چند از قرآن کریم «ذنب» به این معنا آمده است، اما جهت اختصار به ذکر یک آیه اکتفا می‌کنیم. {فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ} (عنکبوت، ۴۰)؛ ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم.

در این آیه نیز به شهادت سیاق آیات ۳۱ تا ۳۹ سوره عنکبوت، مقصود از «ذنب» ارتکاب اعمال غیرمشروعی است که پیامبران الهی چون لوط، شعیب، هود، صالح و موسی؟مهم؟، اقوام خودشان را از آن‌ها نهی کرده بودند و خدای متعال آن اقوام را مؤاخذه و عذاب کرده است.

ذنب به معنای عمل دارای پیامد ناگوار

در آیاتی چند از قرآن کریم واژه «ذنب» در معنای اصیل لغوی خود، یعنی هرگونه عمل فعلی که در ارتباط با دیگری انجام گیرد و دارای پیامد ناگوار و وخیم برای فاعل آن باشد؛ به طوری که طرف دیگر ذنب درصدد تنبیه و مجازات فاعل ذنب «مذنب» برآید به کار رفته باشد، از جمله در آیه {وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ} . (تکویر، آیات ۸ _ ۹) و در آن هنگام که از دختران زنده‌به‌گور شده سؤال شود. به کدامین گناه کشته شدند؟!

به نظر می‌رسد، با توجه به سیاق این آیه که «ذنب» را به دختران زنده‌به‌گورشده (الْمَوْؤُودَةُ) نسبت داده است، «ذنب» برهمان معنای اصلی لغوی‌اش باقی است و درواقع معنای آیه این است که: از آن دختران سؤال می‌شود که چه عملی نسبت به پدران خود انجام داده‌اید که شما را مستوجب مجازات زنده‌به‌گورکردن از سوی پدرانتان کرده است؟

نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که واژه «ذنب» در آیه دوم سوره فتح به کدام‌یک از معانی مذکور به‌کار رفته است؟ آیا معنای جدیدی غیر از معانی مذکوره دارد؟ مفسرین دراین‌باره نظرات متعددی دارند که در بخش بعدی به بررسی نظرات مفسرین فریقین پرداخته، نظر مختار تحقیق را با شواهد ارائه خواهیم داد.

بررسی معنای ذنب در آیه دوم سوره فتح

در مورد معنای ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح دیدگاه‌های متعددی از سوی علما و دانشمندان رفیقان در کتب تفسیری و عقایدی یافت می‌شود. در این بخش ابتدا به بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اهل سنت پرداخته و سپس دیدگاه‌های امامیه، خواهیم پرداخت.

دیدگاه اهل سنت

اهل سنت درباره معنای ذنب در آیه مورد بحث دیدگاه‌های متعددی دارند؛ برخی از آن‌ها مشهور و مورد اتفاق است. در این بخش به جهت اختصار به اهم دیدگاه‌های اهل سنت پرداخته می‌شود.

۱. گناهان صغیره پیامبر؟ مل؟

اهل سنت صدور گناه صغیره را از انبیا جایز می‌دانند؛ برخلاف مذهب امامیه؛ چنان‌که قرطبی با اشاره به قول طبری می‌نویسد:

«طبری و برخی از فقها، متکلمان و محدثان گفته‌اند: گناهان صغیره از انبیا سر می‌زند برخلاف رافضیان که معتقدند آن‌ها از تمام گناهان مصون‌اند» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۰). بنا بر این در تفسیر این آیه اکثریت قاطع مفسرین اهل سنت مراد از ذنب را در این آیه گناهان صغیره معنا کرده‌اند؛ چنان‌که مفسر بزرگ اهل سنت فخر رازی در مورد معنای ذنب در این مورد می‌نویسد: «المراد: الصغائر فإنها جائزة علی الأنبياء بالسهو و العمد».

(فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۶۶)؛ مراد گناهان صغیره است، زیرا این گناهان بر انبیا چه به صورت عمد و چه به صورت سهو جایزند.

وی گناهان صغیره را به عنوان احتمال سوم آورده است؛ و به طور صریح می‌گوید از انبیا؟ عم؟ نیز گناهان صغیر سرزده می‌شود؛ چنان‌که در عبارت مذکور آمده است. ابوجعفر محمد بن جریر طبری ضمن گناه‌انگاری می‌نویسد:

در روایت صحیح از پیامبر اکرم؟ مل؟ که در آن آمده است که آن حضرت برای عبادت به پا می‌خاست تا جایی که پاهای حضرت ورم می‌کرد. به ایشان عرضه داشتند: ای رسول خدا، شما چرا این‌گونه به عبادت برمی‌خیزید، در حالی که تمام گناهان گذشته و آینده شما آمرزیده شده

است. ایشان فرمود: (آیا نباید بنده شکرگزاری باشم؟) _ دلالت واضحی است بر این که آنچه ما گفتیم نظریه صحیح است و حقیقتاً خداوند متعال صرفاً به رسولش وعده آمرزش گناهان گذشته داده و گشود بر او آنچه گشود و گناهان بعد را نیز به خاطر شکرگزاری پیامبر اکرم نسبت به نعمت‌های خداوند آمرزید. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۶، ص ۴۳)

وی معتقد است مراد از ذنب در این آیه گناه است و می‌گوید که خداوند گناهان قبل را با فتح بخشید و گناهان بعد را به خاطر شکر بر نعمت‌ها و نعمت فتح بخشید، به هر حال وی نیز مانند دیگر مفسران اهل سنت با استناد به حدیثی مرسل، معنای گناه را از این آیه اخذ کرده است؛ چنان که محمد بن احمد قرطبی نیز «ذنب» را به معنای گناه گرفته است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۲۶۳) اکثریت قاطع مفسرین اهل سنت «ذنب» در این آیه شریفه را به گناه صغیره تفسیر کرده‌اند؛ بنا بر این از ذکر دیدگاه‌های دیگر مفسرین صرف نظر نموده، چند روایات را که اکثر مفسرین به آن‌ها تمسک کرده‌اند، برای نمونه نقل می‌کنیم.

نقد و بررسی دیدگاه (گناه صغیره)

این دیدگاه اهل سنت که ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح را به معنای گناه صغیره می‌داند، با اشکالات متعددی روبه‌رو است و علمای آن‌ها از حل آن اشکالات قاصر هستند، زیرا این دیدگاه با تعداد زیادی از مبانی اسلامی و دینی تعارض دارد.

بحث از همه اشکالات خارج از ظرفیت تحقیق است؛ بنابراین در ذیل به برخی اشکالات اشاره می‌شود:

۱. مستلزم لغو بودن ارسال رسل است، زیرا اگر عصمت منتفی باشد، دلالت نبوت هم باطل می‌شود و بین ادعای یک پیامبر و اعمال او دوگانگی ایجاد می‌شود و در آنچه مردم مکلف به او و پیروی از آن شده‌اند اختلال به وجود می‌آید و اعتماد مردم نسبت به این پیامبر کاسته می‌شود و هدف بعثت دچار مشکل می‌شود. درباره عصمت انبیا؟ هم؟ در جای خود مفصل بحث شده است و بحث مفصل از عصمت انبیا؟ هم؟ خارج از ظرفیت تحقیق حاضر است.
۲. معقول نیست که گناهان صغیره‌ای که در آینده از او سر می‌زنند نیز

بخشیده شود، زیرا در این صورت به پیامبر؟صل؟ اجازه انجام گناه صغیره داده شده است، در حالی که چنین نظری نه فقط معقول به نظر نمی‌رسد، بلکه برخلاف مبانی دینی است. پس با توجه به اشکالات وارده بر این دیدگاه و در تعارض بودن این دیدگاه مذکور با مبانی دینی، نمی‌توان به آن استناد کرد و آن را مورد پذیرش قرارداد و معنای ذنب را در آیه دوم سوره فتح گناه دانست.

۳. برفرض پذیرفتن قول اهل سنت راجع به جایز بودن صدور صغیر از پیامبر؟صل؟ اشکال اساسی مربوط به آیه باقی است و آن عدم ربط بین فتح و غفران ذنب است؛ یعنی هیچ ربطی بین فتح و غفران ذنب پیامبر؟صل؟ وجود ندارد و ناسازگاری با سیاق آیه شریفه فوق نیز از اشکالاتی است که به دیدگاه مذکور (گناهان صغیره پیامبر) وارد است.

۲. گناه مؤمنان

برخی مفسرین اهل سنت، بعد از گناه‌انگاری، ذنب در آیه مورد بحث به توجیه آن پرداخته آن را گناه مؤمنین دانسته‌اند، زیرا اطلاق کلمه «ذنب» با عصمت رسول پیامبر؟صل؟، منافات دارد؛ به این دلیل که انبیای کرام؟عمم؟ از خطا معصوم هستند. به همین دلیل، برخی مفسران هر جا ذنب را به معنای گناه گرفته‌اند، گفته‌اند که مقصودش گناه امت بوده است؛ یعنی خداوند هر چند پیامبر را مخاطب قرار داده است، اما در واقع مراد، گناه مؤمنین است. شبیه این دیدگاه در شیعه نیز یافت می‌شود که ان‌شاءالله در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت. البته این دیدگاه طرفداران محدودی دارد؛ یکی از آنان فخر رازی است. فخر رازی در تفسیر خود می‌نویسد: «المراد ذنب المؤمنین» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۶۶)؛ مراد از ذنب، گناه مؤمنین است. البته وی این دیدگاه را به عنوان احتمال اول بیان کرده است.

ابو حفص می‌نویسد: «لم یکن للنبي صلى لله عليه وسلم ذنب فما يغفر له؟ فقيل: المراد ذنب المؤمنین» (أبو حفص، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۴۷۷) پیامبر؟صل؟ که گناهی نداشته است پس چه چیزی از او آمرزیده شده است؟ در جواب گفته شد که منظور گناه مؤمنین است. وی نیز طبق منبج خود که جمع‌آوری

اقوال است، به‌عنوان یک احتمال اشاره کرده است.

نقد و بررسی دیدگاه (گناه مؤمنان)

دیدگاه دوم در اهل سنت همان‌طوری که طرفدار چندانی ندارد، پشتوانه عقلی و نقلی نیز ندارد؛ یعنی ادعای بدون دلیل است و اشکالاتی نیز بر آن وارد است که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۱. با عدالت خداوند سازگاری ندارد

منظور از «ذنبک» «ذنب امتک» است؛ یعنی خدا به‌وسیله این فتح، گناه گذشته و آینده امت تو را می‌بخشد. این جمله از منظر عدالت خدا نادرست است. با توجه به این اصل در قرآن که هیچ‌کس گناه دیگری را بر عهده نمی‌گیرد. انتساب ذنب امت به پیامبر؟ صل؟ نمی‌تواند درست باشد. هرکس در قیامت در گرو اعمال خویش است و برای انسان سرنوشتی جز آن چیزی که برای آن تلاش کرده، نیست؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

{وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى} (انعام، آیه ۱۶۴)

هیچ‌کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد و هیچ گناه‌کاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود.

۲. غفران و بخشش همه امت به‌خاطر این فتح، منطقی نیست، زیرا در آن‌صورت امت پیامبر؟ صل؟، بدون ترس از قیامت و اطمینان به این غفران، مجاز به هر نوع رفتاری خواهند بود.

حتی اگر این غفران را به شفاعت توسط پیامبر هم منوط کنیم، باز همین اشکال پابرجاست که اگر قرار است همه امت شفاعت شوند، پس تکلیف اعمال آن‌ها در این دنیا چه می‌شود؟

۳. اگر در این آیه منظور از ذنب پیامبر؟ صل؟، ذنب مؤمنین (امت پیامبر) باشد، دلیلی نداشت خداوند در سوره محمد آیه ۱۹ مؤمنین را اضافه کند و بفرماید برای ذنب خودت و مؤمنین استغفار کن.

آیا خداوند (معاذالله) نمی‌توانست کلمه (مؤمنین) را در اینجا نیز اضافه

کند؟ چنان‌که در سوره محمد؟ صل؟ می‌فرماید:

{فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ

وَمَثْوَاكُمْ} . (محمد، آیه ۱۹)

پس بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناه خود و مردان و زنان با

ایمان استغفار کن و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می‌داند.
۴. علاوه بر اشکالات فوق در ارتباط با دیدگاه دوم اهل سنت، «ذنب مؤمنان» اشکال اساسی مربوط به آیه باقی است و آن عدم ربط بین فتح و غفران ذنب است؛ یعنی هیچ ربطی بین فتح و غفران ذنب مؤمنان یا امت پیامبر؟ صل؟ وجود ندارد و ناسازگاری با سیاق آیه شریفه فوق، نیز از اشکالاتی است که به دیدگاه مذکور (گناهان صغیره پیامبر) وارد است؛ بنابراین ذنب مؤمنان نیز نمی‌تواند معنا و تفسیر صحیح ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح باشد.

۳. ذنب به معنای ترک اولی

برخی علمای اهل سنت برای این‌که ذات قدسی پیامبر؟ صل؟ را پیراسته از گناه می‌دانند مراد از ذنب در آیه مورد بحث را به معنای ترک اولی دانسته‌اند؛ چنان‌که آلوسی می‌نویسد: منظور از گناه، زیاده‌روی از روی انجام ترک اولی نسبت به مقام شامخ آن حضرت است که از قبیل مصداق این اصطلاح است که می‌گوید حسنات ابرار سیئات مقربین است. همچنین گفته شده منظور عملی است که در نظر آن حضرت گناه بوده؛ هرچند واقعا گناه یا ترک اولی در نزد خداوند متعال نباشد؛ همان‌گونه که اضافه ذنب به آن حضرت به این مطلب اشاره دارد. (آلوسی، [بی‌تا]، ج ۱۳، ص ۲۴۵) فخر رازی و ابوفحص نیز این دیدگاه را به‌عنوان احتمال دوم آورده‌اند: «ثانیها ترك الأفضل». وجه دوم این آیه ترک افضل است، نووی جاوی می‌نویسد: «لکی یغفر الله لك ما سلف من ترك الأفضل قبل الوحي و ما یکون بعد الوحي إلى الموت». (نووی جاوی، ۱۴۱۷، ص ۴۲۳) تا خداوند ترک اولاهای گذشته و قبل از نزول وحی تو و آنچه بعد از نزول وحی تا هنگام مرگ از تو سر می‌زند را بیامرزد.

نقد و بررسی دیدگاه (ترک اولی)

این دیدگاه در مذهب شیعه نیز طرفدار دارد که در بخش بعدی بیان خواهیم کرد و دیدگاه معقولی است و مفسران گناهان نسبت داده شده به پیامبران؟ هم؟ را از باب ترک اولی یا حسنات ابرار سیئات المقربین می‌دانند؛ چنان‌که در مورد حضرت آدم نیز متمسک به همین دیدگاه شده‌اند؛ اما در آیه

مورد بحث ما نمی‌تواند مراد از «ذنب» ترک اولی باشد، زیرا:
 ۱. معقول نیست که گناهان (ترک اولی) آینده او نیز بخشیده شود؛ یعنی یک‌جور اجازه به پیامبر؟ مل؟ داده شده که ما بخشیدیم و در آینده اگر ترک اولی از شما سر بزند، عقاب نخواهد داشت! چنین نظری نه فقط معقول به نظر نمی‌رسد، برخلاف مبانی دینی است.

۲. بر فرض پذیرفتن دیدگاه سوم اهل سنت در ارتباط با تفسیر و معنای ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح، اشکال اساسی مربوط به آیه برطرف نمی‌شود و آن عدم ربط بین فتح و غفران ذنب است؛ یعنی هیچ ربطی بین فتح و غفران ذنب پیامبر؟ مل؟ وجود ندارد و ناسازگاری با سیاق آیه شریفه فوق، نیز از اشکالاتی است که به دیدگاه مذکور (ترک اولی پیامبر؟ مل؟) وارد است، چون هیچ‌گونه ربطی بین فتح مکه و بخشش ترک اولی‌های پیامبر؟ مل؟ ندارد. معقول به نظر نمی‌رسد که بگویید ما این فتح مبین را نصیب تو کردیم تا ترک اولی تو را ببخشیم!

جمع‌بندی

این سه دیدگاه، (گناه صغیره پیامبر؟ مل؟، گناه مؤمنان و ترک اولی پیامبر؟ مل؟) از دیدگاه‌های پرطرفدار و مشهور در بین قرآن‌پژوهان اهل سنت است و از آنجاکه دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط مفسرین اهل سنت راجع به معنای ذنب در آیه دوم سوره فتح با آیات، روایات و عقل در تعارض بوده و با سیاق آیه فوق (آیه دوم سوره فتح) نیز سازگاری ندارد، نمی‌تواند به‌عنوان معنا و تفسیر صحیح واژه «ذنب» (در آیه دوم سوره فتح) مورد پذیرش قرار گیرد.

دیدگاه شیعه امامیه

مفسران شیعه امامیه درباره معنای واژه «ذنب» در آیه دوم سوره فتح چهار دیدگاه مطرح کرده‌اند که عبارت است از:

۱. گناه امت (مؤمنین)

طرفداران این دیدگاه آیه را چنین ترجمه می‌کنند: تا خداوند برای تو گناهان

گذشته امت و گناهان آینده آنان را به وسیله شفاعت تو ببخشد و منظور از ما تقدّم وما تأخّر گناهی است که زمان آن گذشته یا آن‌ها که زمانش نرسیده است؛ همان‌گونه که کسی به دیگری می‌گوید: گناه گذشته و آینده‌ات را بخشیدم (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۱۰۷). طبرسی در توجیه این نظریه می‌گوید:

و این‌که نسبت‌دادن گناهان امت به خود حضرت صحیح است، به جهت آن‌که میان پیامبر و امتش جدایی نیست و مؤید این جواب است روایتی که مفضل بن عمر از حضرت امام جعفر صادق؟ع نقل می‌کند: مفضل گوید: شخصی درباره این آیه از حضرتش سؤال کرد حضرت فرمودند: (به خدا سوگند که حضرت محمد؟مل؟ گناهی نداشت، ولی خداوند برای او ضامن شد که گناهان گذشته و آینده شیعیان علی؟ع را ببخشد) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۳).

ملا فیض کاشانی در تفسیرش می‌نویسد: مقصود گناه امت ایشان است (چنان‌که گفته شده: تو را صدا می‌زنم، ولی ای همسایه، تو بشنو) گناهان گذشته‌ات از زمان آدم تا زمان آن حضرت و آنچه در آینده تا روز قیامت سر می‌زند، زیرا همگی امت پیامبر محسوب می‌گردند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۸) وی در تأویل آیه می‌گوید که مراد ذنب امت است و این از قبیل ضرب‌المثل (به در بگو دیوار بشنود) است، یعنی در واقع مخاطب امت است، نه پیامبر؟مل؟، خطاب به پیامبر به جهت عدم جدایی بین پیامبر؟مل؟ و امت ایشان است.

ابن شهر آشوب پس از ذکر یک مثال می‌گوید: «حسنّت إضافة ذنوب أمته إليه للاتصال» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰). وی در توضیح این دیدگاه می‌گوید که انتساب گناه امت به پیامبر؟مل؟ شبیه قول کسی است که به طرف خود می‌گوید: شما (قوم شما) فلان کار بد را در حق ما انجام داد، اما ما به‌خاطر شما می‌بخشیم و این از دیدگاه عقلاً درست است.

روایات: در تأیید این دیدگاه روایاتی در کتب تفسیری و حدیثی نقل شده است که به‌طور نمونه ذکر می‌گردد؛ چنان‌که از امام صادق؟ع سؤال شده و حضرت در جواب می‌فرماید:

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ: ما كان له ذنب و لا هم

بذنب و لکن الله حمله ذنوب شیعتہ ثم غفر لها؛
 عمر بن یزید می‌گوید به امام صادق؟ ع؟ در مورد این آیه گفتیم، فرمود:
 پیامبر اکرم؟ صل؟ گناه نداشت، ولی خداوند گناه پیروانش را بر او حمل
 کرده و سپس گناهشان را بخشید (حویزیر، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۴)
 برخی دیگر از مفسران شیعه نیز روایت مذکور را نقل کرده و آن را به ذنوب
 امت معنا کرده‌اند. ما از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

نقد و بررسی دیدگاه (گناه امت)

درباره این دیدگاه در بخش اول (دیدگاه اهل سنت) نقد و بررسی صورت
 گرفته است.

تفاوت شیعه و اهل سنت در دیدگاه گناه امت

یک تفاوت اساسی بین دیدگاه شیعه و اهل سنت در رابطه با واژه «ذنوب» به
 معنای گناه امت، به چشم می‌خورد و آن این است که شیعه در توجیه این
 دیدگاه می‌گوید: خداوند اذن شفاعت (طوسی، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۳۱۴) به
 پیامبر؟ صل؟ عطا نموده تا گناهان امت بخشیده شود؛ یعنی از طریق شفاعت
 تمام گناهان امت ایشان را بخشیده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۳۳) و
 آیه مبارکه را چنین ترجمه نموده است: تا گناهان تو (امت تو) را به وسیله
 شفاعت تو ببخشیم. در حالی که هیچ کدام از مفسران اهل سنت متذکر چنین
 توجیهی نشده است. بر این اساس برخی اشکالات که بر اهل سنت درباره این
 دیدگاه وارد است، بر شیعه وارد نیست.

اشکالات دیدگاه گناه امت

۱. اگر خداوند وعده داده با شفاعت پیامبر؟ صل؟ همه بدون هیچ عذابی نجات
 یابند، پس این همه سفارش برای عبادت و ترک محرّمات برای چیست؟ ۲. این
 تأویل با این آیه کریمه بسیار فاصله دارد؛ در واقع معنایی است دور از ذهن و
 این خلاف فصاحت است، در حالی که قرآن فصیح‌ترین کلام است. ۳. اگر مراد
 ذنب مؤمنان بود، چرا لفظ «مؤمنان» را نیاورده است؛ چه محذوری داشت؛
 چنان‌که در آیه ۱۹ سوره محمد آمده است، در بحث قبلی (بخش اهل سنت)
 بیان گردید. ۴. بر فرض قبول توجیه این مفسران، اشکال عدم سنخیت بین

فتح و گناهان امت باقی است؛ اساساً (فتح مکه) چه ربطی به (آمزش گناه امت) دارد تا با لام تعلیل به هم ربط داده شود؟ ۵. با توجه به مفردبودن کلمه «ذنب» و عبارت ما تقدم و ما تأخر باید اشاره به یک ذنب خاص در همان محدوده زمانی حدیبیه باشد. در اینجا نمی‌توان مانند آیات دیگر ذنب شرعی گرفت و از طرفی در حدیبیه خدا اعلام رضایت کرد و مسلمانان را بخشید؛ البته کسانی را که با پیامبر؟ مل؟ بودند.

پس این تأویل (گناه امت) درباره این آیه شریفه (آیه دوم سوره فتح) نمی‌تواند درست باشد؛ هرچند در جاهای دیگر قرآن کریم این تأویل درست باشد.

گناهان کافران

بررسی‌ها نشان می‌دهد این دیدگاه در قرن پنجم توسط شیخ طوسی و سید مرتضی علم‌الهدی در تفسیر آیه دوم سوره مبارکه فتح ارائه گشته است. (طوسی، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۳۱۴) و همچنین بعد از ایشان در قرن ششم توسط ابن شهر آشوب نیز نقل شده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰). در قرن پانزدهم طبرسی در مجمع ذکر نموده است اما طرفدار چندان در شیعه وجود ندارد.

سید مرتضی در تفسیر این دیدگاه می‌گوید:

منظور از (ما تقدم من ذنبك) (الذنب اليك) است. (ذنب) مصدر است و مصدر هم جایز است به فاعل اضافه شود و هم جایز است به مفعول اضافه گردد... و در این آیه ذنب به مفعول اضافه شده است و منظور (ما تقدم من ذنبهم اليك) است؛ یعنی خداوند گناهان کفار را که مانع ورود تو به مکه و مسجدالحرام شدند بخشید؛ و بنا بر این تأویل، مغفرت به معنی ازاله و نسخ احکام مشرکین و دشمنان پیامبر است نسبت به حضرتش، در مانع‌شدن از ورود ایشان به مکه و مسجدالحرام و این تأویل با ظاهر کلام مطابقت دارد تا این‌که مغفرت نوعی فتح به شمار آید؛ یعنی خداوند این منع را از تو برمی‌دارد و با فتح مکه قدرتی به تو خواهد بخشید که وارد مکه شوی؛ لذا این معنی را پاداشی نسبت به جهاد او قرار داده است و برطرف‌شدن مانع فتح را به دنبال آورده است. (علم‌الهدی، ۱۳۷۷،

نقد و بررسی دیدگاه گناه کافران

دیدگاه سید مرتضی با دیدگاه‌های دیگر تفاوت دارد و براساس دیدگاه سید مرتضی «غفران»، به معنای اصطلاحی برداشت عقاب از مذهب نیست، بلکه برداشت موانع (موجود در مقابل پیامبر؟) است.

۱. این دیدگاه مخالف ظاهر آیه است و اثبات چنین ادعایی نیازمند دلیل، شاهد در متن و یا سابقه‌ای در سایر آیات قرآن است، درحالی‌که راجع به دیدگاه مذکور نه در روایات اشاره‌ای به آن شده است، نه سابقه‌ای در سایر آیات قرآن مشاهده می‌شود. دیدگاه وی در حد یک احتمال است؛ به‌علاوه در صورت پذیرش دیدگاه وی مراد و منظور از جمله ماتقدم مبهم خواهد شد؛ بنابراین نمی‌توان این دیدگاه (گناه کافران) را پذیرفت، هرچند دیدگاه وی تأویل جدیدی در رابطه با معنای واژه «ذنب» در آیه دوم سوره مبارکه فتح است.

۱. رفع نگرانی‌های پیامبر؟

تنها طرفدار این نظریه سیدعلی‌اکبر قرشی است که می‌نویسد: به نظر می‌آید منظور از «ذنبک» بعضی از نگرانی‌هایی است که راجع به آینده اسلام در قلب مبارک آن حضرت بود و با فتح حدیبیه شروع به ازبین رفتن کردند. وی در توضیح این دیدگاه می‌گوید:

پیامبر؟ مل؟ به وعده‌های خدا شکی نداشتند، اقا به علت بشر بودن نگرانی‌هایی در وجود ایشان بود و با تحقق وعده خدا آن نگرانی‌ها برطرف گشته و اطمینان کامل حاصل شد (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۲۲۷). وی تقاضای حضرت ابراهیم را (که فرمود: رَبِّ اَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى. ابراهیم گفت: «خدايا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟) در تأیید دیدگاه خود نقل کرده است.

نقد و بررسی دیدگاه رفع نگرانی پیامبر؟

۱. این دیدگاه پایه و دلیلی ندارد و در حد احتمال است که نمی‌توان به آن استناد جست. باید با دلیل قطعی ثابت شود که پیامبر؟ مل؟ در مورد تحقق وعده‌های الهی در مورد فراگیر و پیروشدن اسلام، اطمینان خاطر نداشته

است، در حالی که چنین چیزی ثابت نیست.

۲. هنگامی که حضرت موسی با بنی اسرائیل از دست فرعون گریخت و بین دریا و افراد فرعون قرار گرفت، همراهان حضرت موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» حضرت موسی فرمود: **قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ**. چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، به زودی مرا هدایت خواهد کرد (شعرا، آیات ۶۱ _ ۶۲). از این آیه شریفه اوج توکل حضرت موسی به کمک خداوند به دست می‌آید؛ آن وقت چطور می‌توانیم قبول کنیم حضرت محمد؟ صل؟ که افضل انبیا و اشرف مخلوقات است، توکلش به خداوند نسبت به حضرت موسی کمتر بوده است؟

۳. نگرانی در صورت احتمال تخلف از تعهد توسط شخص دیگر در انسان به وجود می‌آید؛ در صورتی که در مورد خداوند چنین چیزی محال است؛ چنان که قرآن کریم می‌گوید: **{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ }**؛ خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند (آل عمران، آیه ۹). حضرت ابراهیم یقین و ایمان کامل راجع به احیای اموات داشت، و نه فقط راجع به وعده خداوند در مورد احیای اموات در روز قیامت هیچ نگرانی نداشت، بلکه یقین تام بر این وعده الهی داشت؛ اما از چگونگی احیای استخوان پوسیده در حیرت بود، یا می‌خواست از این طریق قدرت بی‌انتهای خداوند را آشکار سازد و این، هیچ‌گونه ربطی با نگرانی ندارد و همچنین با سیاق آیات نیز سازگاری ندارد؛ بنابراین نمی‌توان مراد از «غفران ذنب» را در آیه مورد بحث رفع نگرانی پیامبر دانست.

۴. گناه پیامبر؟ صل؟ از نگاه کفار

تحقیقات نشان می‌دهد که این دیدگاه از قرن یازدهم وارد تفسیر شده و تفاسیر قبل آن، این دیدگاه را به عنوان تأویل آیه مورد بحث ذکر نکرده‌اند. بنابراین مرحوم طبرسی در *مجمع‌البیان* و اکثر مفسران به این دیدگاه تصریح نکرده‌اند؛ اما در کتب حدیثی قرن چهارم نقل گشته است که تفصیل آن خواهد آمد.

طرفداران این دیدگاه، «غفران» را در معنای پوشاندن و برطرف کردن گرفته‌اند، نه معنای اصطلاحی آن، که عبارت است از آمرزش گناهان و ترک

عقاب؛ و واژه «ذنب» را هم به معنای لغوی آن به کار برده‌اند که عبارت است از کار پیامدار و دنباله‌دار؛ چنان‌که گذشت.

بنابراین مراد از آیه چنین می‌شود: خدا با این فتح، آثار و پیامد گناهان و جرایم تو را که از نظر کافران داشتی، پوشاند و آن‌ها دیگر به دنبال مجازات و انتقام از تو نیستند.

برخی شواهد قرآنی و روایات دیدگاه چهارم را تقویت می‌کنند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

دلایل دیدگاه چهارم

۱. دلیل روایی

یکی از خصوصیات این دیدگاه (گناه پیامبر؟ مل؟ از نگاه کفار) برخورداربودن از پشتوانه روایی است؛ چنان‌که آن روایت در متن و حواشی کتب حدیثی و تفسیری ذیل به چشم می‌خورد.

کتاب *عیون اخبار الرضا* اولین کتابی است که روایت مذکور را نقل کرده،

سپس دیگران از وی نقل کرده‌اند. روایت چنین نقل شده است:

... فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ نَبِيَّهٖ؟ مَلَّ؟ مَكَّةَ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ مَكَّةَ فَتَحْنَا مُبِينًا لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ عِنْدَ مُشْرِكِي أَهْلِ مَكَّةَ بِدَعَائِكَ إِلَيَّ تَوْحِيدِ اللَّهِ فِيهَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ لِأَنَّ مُشْرِكِي مَكَّةَ أَسْلَمَ بَعْضُهُمْ وَ خَرَجَ بَعْضُهُمْ عَنِ مَكَّةَ وَ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ أَنْكَارِ التَّوْحِيدِ عَلَيْهِ إِذَا دَعَا النَّاسَ إِلَيْهِ فَصَارَ ذَنْبُهُ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكَ مَغْفُورًا بظهوره عَلَيْهِمْ فَقَالَ الْمَأْمُونُ لِلَّهِ ذَرُّكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۲)

مأمون به امام رضا؟ ع؟ عرضه داشت: مگر این گفته شما نیست که پیامبران معصوم‌اند؟ حضرت فرمودند: بله: مأمون گفت: پس معنی این فرمایش خداوند ({ لِيُغْفَرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ } چیست)؟ حضرت فرمودند: در نزد مشرکین مکه هیچ‌کس گناهکارتر از پیامبر اکرم؟ مل؟ نبود، زیرا آن‌ها در مقابل خداوند ۳۶۰ بت را می‌پرستیدند و هنگامی که حضرت برای دعوت به توحید به نزد آن‌ها رفت، این امر برایشان سخت و سنگین آمد و گفتند: این به‌راستی چیز عجیبی است. بزرگان آن‌ها بیرون آمدند و گفتند: بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند شما را گمراه کنند! ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری

نشنیده‌ایم؛ این تنها یک آیین ساختگی است! پس زمانی که خداوند فتح و پیروزی را نصیب پیامبر اکرم؟ مل؟ کرد، فرمود: ای محمد! ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به علت دعوت به توحید پیش مشرکین داشتی ببخشد، زیرا برخی از مشرکین مکه ایمان آورده بودند و برخی دیگر از مکه خارج شده بودند و آنان که باقی مانده بودند، امکان انکار توحید را نداشتند. این‌گونه بود که با ظهور پیامبر نزد مشرکین گناهانش بخشیده شد. مأمون گفت: چه جالب گفتی یا ابوالحسن.

بررسی: این روایت از لحاظ سندی ضعیف است، زیرا راویان آن جز حمدان، مجهول الحال یا ضعیف شناخته شده‌اند. از لحاظ متنی نه فقط مشکلی ندارد، بلکه با مبانی شیعه امامیه کاملاً سازگاری دارد و بعضی مفسران برجسته از جمله علامه طباطبائی در *المیزان* ذیل آیه دوم سوره مبارکه فتح به محتوای این روایت اعتماد کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان آن را مؤید دیدگاه چهارم امامیه برشمرد.

۲. دلیل قرآنی

یکی دیگر از خصوصیات این دیدگاه این است که شاهد قوی در آیات دارد که غیر قابل انکار است؛ چنان‌که خداوند از حضرت موسی؟ ع؟ نقل می‌فرماید: {وَأَلْهَمْتُ عَلِيَّ ذَنْبًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ}؛ (شعراء، آیه ۱۴) و آن‌ها (به اعتقاد خودشان) بر من گناهی دارند؛ می‌ترسم مرا به قتل برسانند.

این آیه شاهد و دلیل دیگری است که دیدگاه چهارم شیعه را تأیید می‌کند و این آیه فقط یکبار در قرآن کریم در سوره شعرا به‌کار رفته است و از زبان حضرت موسی؟ ع؟ که خطاب به خداوند بیان می‌کند: من می‌ترسم به سوی فرعونیان بازگردم، زیرا از نظر آن‌ها من گناهکارم و یک نفر از آن‌ها را (غیر عمدی) کشته‌ام. در اینجا خداوند به‌صراحت ضمیر (لهم) و (علی) را آورده تا به‌وضوح نشان دهد که منظور گناه موسی از منظر فرعونیان است؛ بنابر این می‌توان این آیه را به‌عنوان بهترین شاهد و مؤید دیدگاه چهارم برشمرد.

این دیدگاه در شیعه طرفدار نسبتاً زیادی دارد که ما سخن برخی از

دانشمندان شیعه اعم از مفسر و غیرمفسر را برای نمونه نقل می‌کنیم. لازم به ذکر است که اولین مفسر شیعه که به این دیدگاه اشاره کرده، ملا فیض کاشانی است. وی پس از اشاره به روایات متعددی درباره تأویل آیه مورد بحث در نهایت به روایت امام رضا؟ع نیز اشاره کرده است. (ملافیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۷)

۳. دیدگاه چهارم از منظر دانشمندان شیعه

برخی دانشمندان و قرآن‌پژوهان شیعه در ارتباط با معنای واژه «ذنب» در آیه دوم سوره فتح دیدگاه چهارم (گناه پیامبر؟صل؟ از نگاه کفار) را پذیرفته‌اند و این امر بیان‌گر درست بودن دیدگاه چهارم امامیه می‌باشد. در ذیل به نظرات برخی از صاحب‌نظران اشاره می‌شود.

شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* در ضمن شرح خطبه امیرالمؤمنین در ذیل عبارت «و غَفَرَ ذَنْبَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» می‌گوید: یعنی خداوند سبحان برای مردم روشن ساخت که پیامبر اکرم؟صل؟ در دعوت به توحید و رد بت‌ها گناهی نداشت، زیرا مشرکان آن حضرت را در این دعوت خطا کار می‌پنداشتند؛ همچنان‌که در این آیه شریفه آمده است، و آلا بین فتح مکه و آمرزش گناه آن حضرت ربطی نیست.

وی با تصریح به دیدگاه چهارم امامیه می‌نویسد که مراد از ذنب، گناه پیامبر؟صل؟ در نظر کفار است، چنان‌که در حدیث امام رضا؟ع به‌طور واضح بیان شده است.

احتجاج طبرسی (قرن ششم): وی نیز روایت مذکور را به شکل مرسل از آخرین راوی (علی بن محمد بن الجهم) نقل کرده است. وی پس از بررسی برخی دیدگاه‌ها می‌نویسد:

فالذی نقلناه من طریق أهل بیت النبوة أن المراد منه لیغفر لك ما تقدم من

ذنبك و ما تأخر عند أهل مكة و قریش؛ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۴۳۰)

مراد گناه پیامبر؟صل؟ نزد اهل مکه است.

علامه طباطبائی پس از بیان معنای لغوی «ذنب» و «غفران» در مورد

تأویل معنای ذنب می‌نویسد:

پس مراد از کلمه «ذنب» تبعات بد و آثار خطرناکی است که دعوت آن

جناب از ناحیه کفار و مشرکین به بار می‌آورد و این آثار از نظر لغت ذنب است؛ ذنبی است که در نظر کفار وی را در برابر آن مستحق عقوبت می‌ساخت، همچنان که موسی؟ ع؟ در جریان کشتن آن جوان قبطی خود را گناهکار قبطیان معرفی نموده می‌گوید: {وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ}. این معنای گناهان گذشته رسول خدا؟ صل؟ است گناهایی که قبل از هجرت کرده بود؛ و اما گناهان آینده‌اش عبارت است از خون‌هایی که بعد از هجرت از صنایع قریش ریخت و مغفرت خدا نسبت به گناهان آن جناب عبارت است از پوشاندن آن‌ها و ابطال عقوبت‌هایی که به دنبال دارد و آن به این علت بود که شوکت و بنیه قریش را از آنان گرفت. مؤید این معنا جمله {وَيَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ ... وَيُنْصِرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا} است. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸)

وی تنها مفسری است که به تفصیل به بیان این دیدگاه پرداخته و حق مطلب را بیان کرده است. پس از ایشان اکثر مفسران شیعه دیدگاه چهارم امامیه را به عنوان دیدگاه درست و صحیح در تفسیر خودشان برگزیده‌اند؛ چنان‌که جواد مغنیه در تفسیر خود در ارتباط با معنای واژه ذنب در آیه دوم سوره مبارکه فتح می‌نویسد:

منظور این است که مشرکان اعتقاد داشتند که پیامبر اکرم؟ صل؟ در دعوت به توحید و انکار شرک و پیکار با اوضاع و رسم رسومات حاکم بر جامعه گنہکار است. و منظور از مغفرت این است که مشرکان سرانجام فهمیدند که محمد؟ صل؟ از هرگونه گناهی مبرا است و او به‌راستی فرستاده خداوند است و این خود مشرکان‌اند که به‌خاطر تهمت‌زدن و طعنه‌زدن به رسالتش گنہکارند. (جواد مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۸۴).

وی معتقد است که مراد از «مغفرت»، کشف حق بودن پیامبر؟ صل؟ توسط مشرکین است و معتقد است که در اینجا «ذنب» به معنای لغوی خود به‌کار رفته است.

۴. سازگاری با سیاق آیه شریفه

تأویل «ذنب» در دیدگاه چهارم کاملاً با فتح سازگاری داشته و هماهنگ است که توضیحاتش گذشت. معنای آیه براساس دیدگاه چهارم چنین می‌شود: ما

(فتح مبین) را نصیبت کردیم تا پیامدهای نامطلوب اعمال دور و نزدیکت را از بین ببریم. اما این پیامدهای نامطلوب را براساس آنچه در تاریخ و کتب تفسیر آمده و برخی روایات نیز بر آنها دلالت دارد، می‌توان دو دسته دانست:

۱. مشرکان مکه به دلیل اصل دعوت رسول خدا؟ مل؟ به توحید، کینه‌ها به دل گرفتند و بیش از بیست سال هرچه توانستند با اسلام و مسلمانان دشمنی کردند که با فتح مقتدرانه مکه سلسله این اقدامات خصمانه قطع شد (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۲۵۳).

۲. در مورد پیامبر؟ مل؟ نسبت‌های ناروا و گناهان پنداری بسیار فراوان بود؛ او را جنگ‌طلب، آتش‌افروز، بی‌اعتنا به سنت‌های راستین، غیرقابل تفاهم و مانند آن می‌شمردند. صلح حدیبیه به خوبی نشان داد که آیین او برخلاف آنچه دشمنان می‌پندارند، یک آیین الهی است و آیات قرآنش ضامن تربیت نفوس انسان‌ها و پایان‌گر ظلم و ستم و جنگ و خونریزی است؛ او به خانه خدا احترام می‌گذارد، هرگز بی‌دلیل به قوم و جمعیتی حمله نمی‌کند؛ او اهل منطق و حساب است؛ پیروانش به او عشق می‌ورزند؛ او به راستی همه انسان‌ها را به سوی محبوبشان (الله) دعوت می‌کند و اگر دشمنانش جنگ را بر او تحمیل نکنند، او طالب صلح و آرامش است.

به این ترتیب فتح حدیبیه تمام گناهانی که قبل از هجرت و بعد از هجرت، یا تمام گناهانی که قبل از این ماجرا و حتی در آینده ممکن بود به او نسبت دهند، شست (دیگر نمی‌توانند به اسلام نسبت خشونت بدهند) و چون خداوند این پیروزی را نصیب پیامبر؟ مل؟ نمود، می‌توان گفت خداوند همه آنها را شست و شو کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۲).

توجه به روایت وارده در ارتباط با دیدگاه چهارم امامیه هر دو دسته مذکور قابل جمع و مستفاد از روایت است؛ اما تحلیل‌های دیگر نیز وجود دارد که هرچند نامعقول به نظر نمی‌رسد، اما از آنجاکه دارای پشتوانه روایی یا دلیل قوی نیست، نمی‌توان مورد پذیرش قرار داد؛ هرچند این تحلیل‌ها در عرض هم نیستند، بلکه قابل جمع‌اند.

بررسی دیدگاه چهارم امامیه

مهم‌ترین اشکالاتی که بر دیدگاه‌های سابق وارد بود از قبیل در تعارض بودن با مبانی دینی، ناسازگاری با سیاق آیه و اشکالات دیگر، بر این دیدگاه وارد نیست.

این دیدگاه کاملاً با سیاق آیه و فتح سازگاری دارد و مستفاد از قرآن و روایت است و اگر کسی اشکال کند که همان اشکال مذکور که بر دیدگاه سید مرتضی وارد است، بر این دیدگاه نیز وارد است، زیرا این دیدگاه نیز مستلزم تقدیرگرفتن است و خلاف ظاهر است، در جواب می‌گوییم: این حرف زمانی درست است که دلیل و شاهد بر آن وجود نداشته باشد، درحالی‌که در این مورد بر تقدیرگرفتن دلیل و شاهد قوی داریم. پس این اشکال وارد نیست.

نتیجه‌گیری

در تفسیر واژه «ذنب» در آیه دوم سوره مبارکه فتح آیه گفته‌های بسیاری از اهل سنت در کتب تفسیری‌شان نقل گشته است، ولی دو دیدگاه گناه صغیره و گناه مؤمنان مشهورتر است؛ اگرچه اکثر اهل سنت ذنب را به گناهان صغیره پیامبر؟صل، تفسیر نموده‌اند و بطلان این حرف واضح است، زیرا پیامبران، معصوم از گناه می‌باشند؛ چه گناهان صغیره و چه گناهان کبیره؛ چه قبل از نبوت و چه بعد از نبوت؛ و دیدگاه‌های دیگر اهل سنت نیز به علت ناسازگاری با سیاق، در تعارض بودن با مبانی دینی و به دلیل اشکالات متعدد دیگری که بیان گردید پذیرفتنی نیست.

در کتب تفسیری شیعه نیز چهار دیدگاه در تفسیر معنای «ذنب» در آیه فوق بیان شده است که عبارت‌اند از: ذنب مؤمنین، (غفران به وسیله شفاعت) گناهان کافران، دل‌نگرانی‌های پیامبر؟صل و گناهان پیامبر؟صل از نگاه کفار، و این دیدگاه‌ها جز دیدگاه چهارم نادرست است، زیرا برخی از این دیدگاه‌ها با سیاق آیه فوق سازگاری ندارد؛ مانند دیدگاه اول. برخی نیز به علاوه ناسازگاری با سیاق آیه، پشتوانه و شاهی در قرآن نیز ندارند؛ مانند دیدگاه دوم و سوم؛ بنابراین این سه دیدگاه شیعه نیز نمی‌تواند تفسیر صحیح

«ذنب» در آیه دوم سوره مبارکه فتح باشد. تنها معنا و تفسیر واژه «ذنب» در آیه فوق که نه تنها اشکالات مذکور را ندارد، بلکه دارای پشتوانه روایی و شاهدی محکم در قرآن کریم نیز هست، دیدگاه چهارم امامیه (گناه پیامبر؟ صل؟ از نگاه کفار) است.

در نوشتار حاضر معنای چهارم (گناه پیامبر؟ صل؟ از نگاه کفار) به عنوان معنا و تفسیر صحیح واژه «ذنب» در آیه فوق شناخته شده است و به عنوان دیدگاه مختار تحقیق ارائه می‌گردد. واللّٰه اعلم خبیر

منابع

۱. *قرآن کریم*، ترجمه ناصر، مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*؟ ع؟، تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.
۴. ابن شهرآشوب، محمد بن، علی، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، دار بیدار للنشر، ۱۳۶۹ق.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود للنفس منضود*، قم، دار الذخائر، [بی تا].
۶. ابن فارس، *مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی قم، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن کثیر دمشقی، محمد بن عمرو، *تفسیر ابن کثیر*، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۸. ابوحفص سراج الدین، *اللباب فی علوم الکتاب*، المحقق: الشیخ عادل احمد عبد الموجود و الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات لالفاظ القرآن*، بیروت _ دمشق، دار القلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۰. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۱۱. ثعلبی نیشابوری ابواسحاق احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، *در المنثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۴. طباطبائی، محمدحسین، *ترجمه المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۱۵. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل لجاج* (للطبرسی) مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، *ترجمه مجمع البیان*، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

۱۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۱. عروسی حویزیر، عبد علی جمعه، *نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۲. علم الهدی، علی بن حسین، *تنزیه الأنبیاء؟ عمهم؟*، قم، دار الشریف الرضی، ۱۳۷۷ش.
۲۳. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر صافی*، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۲۵. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۶. قرشی، علی اکبر، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۲۷. مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ق.
۲۸. ملا علی قاری، *شرح الفقه الاکبر*، [بی جا]، دارالفنایس، ۱۴۱۷ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۳۰. نووی جاوی، محمد بن عمر، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.